



پژوهشنامه حقوق کیفری

سال دوازدهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰
شماره پیاپی ۲۴ (صفحات ۲۹۲-۲۶۵)



شناسایی مفهوم کار اجباری در اسناد بین‌المللی و حقوق کیفری ایران

دکتر محسن عینی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۲۰

چکیده

کار اجباری رفتاری مباین کرامت انسانی است و اسناد بین‌المللی آنرا به کار یا خدمتی که با تهدید به مجازات انجام و به رضایت و پیشنهاد ارادی فرد نیست، تعریف و مصادیق آنرا معرفی کرده‌اند. سازمان بین‌المللی کار در قالب تفسیر اسناد، کاری که وسیله اجبار سیاسی است، با تهییج توده‌ها و با هدف پیشرفت اقتصادی انجام می‌شود، روشی برای نظم بخشی به کار یا مجازات نقض نظم کار یا شرکت در اعتصابات است یا کاری که وسیله اعمال تبعیض نژادی و... است را اجباری قلمداد کرده و استثنائات آن را نیز مشخص کرده است. قوانین عادی ایران نیز این پدیده را جرم انگاری کرده ولی مفهوم آن را مبهم رها کرده‌اند. در این مقاله مفهوم و مصادیق کار اجباری با الهام از قانون اساسی ایران و نگرش ویژه به اسناد بین‌المللی بررسی و وضع قانون اصلاحی برای رفع برخی ابهام‌ها پیشنهاد شده است.

واژگان کلیدی: کار اجباری، حق کار، منع بهره‌کشی، قانون کار، سازمان بین‌المللی کار.

مقدمه

آزادی، موهبتی الهی است که در زندگی اجتماعی انسان‌ها جلوه‌های گوناگونی دارد و آزادی کار یکی از آنها است که شخص با کمال آزادی به کوشش و شغلی می‌پردازد که به آن کشش و علاقه دارد و بر او تحمیل و اجباری نمی‌شود. جلوگیری از کار خواسته و الزام به کار ناخواسته، ضد آزادی و ممنوع است. نتیجه آزادی کار، منع کار اجباری و منع بهره‌کشی از دیگری است که اسناد بین‌المللی این ممنوعیت را تأیید می‌کنند و آموزه‌های شریعت اسلامی نیز کار اجباری و بهره‌کشی از دیگران را نمی‌پذیرد (عبد القادر، ۱۳۹۰: ۱۶۹، ۱۷۰؛ محمدیان و حائری، ۱۳۹۳: ۲۴۳، ۲۴۲). همچنین قانون اساسی ایران، نظام اقتصادی و اجتماعی مربوط به کار را بر آزادی کار و منع از کار اجباری استوار کرده و قوانین اساسی برخی کشورها نیز کار اجباری را منع کرده‌اند، اما همواره گروه‌هایی بوده‌اند که به تحمیل کار ناخواسته یا بهره‌کشی از دیگران شامل کارگران و غیر آن، اقدام کرده‌اند.

کار اجباری یک موضوع مربوط به حقوق کار، حقوق بین‌المللی، حقوق بشر و حقوق کیفری است اما تقاربی مشهود بین کار اجباری با حقوق کیفری وجود دارد، زیرا آن تعرض نابخشودنی به حقوق دیگری و تجاوز از مرزهای کار مشروع است. از نظر حقوق بین‌المللی، قصور در تعقیب و مجازات کار اجباری نقض کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی مربوط است و وفق تصمیم دادگاه اروپایی حقوق بشر و بر مبنای کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، دولت‌ها می‌توانند به دلیل کوتاهی در تدارک جبران خسارت ناشی از کار اجباری، مسئول باشند. پدیده مزبور از وجوه سنتی و نوین برخوردار و با اسناد بین‌المللی متعددی منطبق می‌شود و این موضوع ابهاماتی را در مورد مفهوم و مصادیق آن ایجاد می‌کند که با دخالت برخی شوراهای تخصصی و کارشناسی و ارائه تفسیر از اسناد مرتبط، بسیاری از ابهام‌ها رفع شده و گذشت زمان از اتقان و تازگی آنها نکاسته است، چنانکه حسب تحقیق کمیته ویژه سازمان بین‌المللی کار - سازمان ملل متحد در مورد کار اجباری^۱ (از این پس: کمیته ویژه)، پاره‌ای مصادیق کار، به عنوان وسیله اجبار سیاسی شناسایی شده است یا از نظر کمیته کارشناسان راجع به اعمال کنوانسیون‌ها و توصیه‌ها^۲ (از این پس: کمیته کارشناسان)، برخی رفتارها با کار اجباری مرتبط با محکومین اعتقادی یا شرکت کننده در اعتصاب‌ها، منطبق شده است (ILO, 2007:78,79).

کار اجباری که در بسیاری از کشورها از جمله ایران وجود دارد (عراقی و رنجبریان، ۱۳۹۵: ۱۴۵؛ بهمنی قاجار، ۱۳۸۹: ۱۳۰) و می‌تواند توسط همه بخش‌های خصوصی، عمومی و دولتی و به شکل

1. UN-ILO ad hoc Committee on Forced Labour.

2. Committee of Experts on the Application of Conventions(1930 & 1957) and Recommendations

آشکار یا پنهانی انجام گیرد، موضوعی است که واجد آثار و خسارات مادی و معنوی است و آمارها، افزایش این پدیده زیانبار را آشکار می‌کند چنانکه مطابق ارزیابی سازمان بین‌المللی کار (از این پس: سازمان) در سال ۲۰۰۵، ۱۲/۳ میلیون نفر در جهان قربانی کار اجباری بودند (ILO-A 2005:10, Global...) ولی وفق ارزیابی جدید در سال ۲۰۱۶، ۲۴/۹ میلیون نفر قربانی کار اجباری اند که از این میان ۱۶ میلیون نفر قربانی بهره‌کشی کار اجباری در فعالیت‌های اقتصادی مختلفی مانند کشاورزی، ساختمان، کار خانگی و تولیدات صنعتی‌اند، ۴/۸ میلیون نفر قربانی بهره‌کشی جنسی اجباری و ۴/۱ میلیون نفر نیز قربانی کار اجباری تحمیلی به وسیله مقامات دولتی‌اند (ILO et al, 2017: 10, 29). همچنین تخمین جهانی کار کودکان و نوجوانان بین ۵ تا ۱۷ سال و در سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶، به میزان ۱۵۲ میلیون نفر است که ۷۳ میلیون آن در کارهای خطرناک بوده‌اند (ILO, 2017: 5). ارزیابی مزبور جهانی و شامل مناطق و کشورهای مختلف از جمله آسیا است. حسب ارزیابی سازمان، کار اجباری سالانه ۱۵۰ میلیارد دلار سود نامشروع برای اقتصاد بخش خصوصی ایجاد می‌کند که ۵۱ میلیارد آن مربوط به کار خانگی، کشاورزی و سایر فعالیت‌های اقتصادی است (ILO, 2014: 2).

رخداد کار اجباری، اهمیت آن و تعارض آن با حقوق بنیادین بشر و کاربرد این عنوان در سطح بین‌المللی و این موضوع که در رویه برخی نهادهای بین‌المللی بین این پدیده جنائی و بردگی، رویه‌های مشابه بردگی یا قاچاق انسان، اختلاط هائی صورت گرفته است (Swepston, 2014: 12, 13) و در حقوق ایران نیز درک و تعریف روشنی از کار اجباری ارائه نمی‌شود، این سؤال را ایجاد می‌کند که مفهوم کار اجباری در اسناد بین‌المللی و حقوق کیفری ایران چیست و تا چه اندازه مفهوم آن در حقوق ایران با حقوق بین‌المللی همگرائی دارد؟ همچنین مهم‌ترین مصادیق و اشکال کار اجباری و استثنائات آن چیست؟ این پژوهش که هدفش اصلاح و بهبود مقررات مرتبط در ایران و در نتیجه رعایت حقوق انسان‌ها و به‌ویژه اتباع خارجی است و به اتکای مطالعات تطبیقی، آموزه‌های حقوقی، اسناد تخصصی، تفسیر آنها و مقررات مربوط و به روش توصیفی-تحلیلی انجام می‌شود، از آن نظر ضروری است که مقابله با کار اجباری در گام اول به درک مناسب از مفهوم این پدیده و چارچوبه حقوقی آن وابسته است.

با نظر به سؤال‌ها و مراتب بالا، این مقاله در سه بخش تنظیم شده است. در بخش اول مفهوم کار اجباری از منظر اسناد تخصصی بین‌المللی و تفسیرهای مربوط بررسی و ضرورتاً به لحاظ فراهم کردن درک مناسب‌تر از مفهوم کار اجباری مهم‌ترین مصادیق و اشکال کار اجباری شناسایی و به دنبال آن در بخش دوم مهم‌ترین استثناءهای کار اجباری بر مبنای اسناد بین‌المللی تشریح می‌شود و در بخش سوم، مفهوم کار اجباری را در حقوق کیفری ایران تحلیل کرده و پس از آشکار کردن

کاستی‌های قانونی، پیشنهادهای کاربردی برای رفع آنها ارائه می‌شود. شایسته است در اینجا از مؤسسه ماکس پلانک (آلمان) برای مطالعه جرم، امنیت و حقوق، به لحاظ فراهم کردن امکان اقامت و دسترسی به برخی منابع این پژوهش، تشکر کنم.

۱. مفهوم و اشکال کار اجباری

عبارت «کار اجباری»، مرکب از دو کلمه «کار» و «اجباری» است. کار^۱ به مفهوم عمل، سعی و شغل است (معین، ۱۳۸۲: ۷۲۳) و در اصطلاح می‌توان آن را تلاشی دانست که برای سایر افراد ارزش تولید می‌کند و یا آنکه کار، فعالیت انسان به منظور تولید یا تغییر شکل یا انتقال اشیاء یا حاصل این فعالیت‌ها است (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۳: ۵۶۱). واژه اجباری نیز به مفهوم زوری و ناروا به کار می‌رود. مفهوم لغوی این واژه، مفهوم دقیق این عبارت را روشن نمی‌کند و سزاوار است مفهوم این عبارت را بررسی کنیم، به ویژه آن که وقتی حقوق بین‌المللی و داخلی را با هم در نظر می‌گیریم، تعریف واحدی ارائه نمی‌شود. در برخی کشورها، دادگاه‌ها کنوانسیون منع کار اجباری را مستقیماً در تفسیر مقررات ملی اعمال می‌کنند و در برخی دیگر دادگاه‌ها تفسیر متوازنی از مقررات ملی ارائه می‌کنند (ILO, 2009: 4).

همچنین کار اجباری در حوزه‌های گوناگونی مانند حقوق کیفری، حقوق بشر و حقوق کار استفاده می‌شود و هریک از این حوزه‌ها از ضوابط و استانداردهایی در مورد این موضوع برخوردارند که مفهوم کار اجباری را پیچیده می‌کند.

درک مناسب از مفهوم کار اجباری ما را ناگزیر می‌سازد تا مهم‌ترین اسناد بین‌المللی مربوط را مورد توجه و کنکاش قرار دهیم. به‌طور کلی پیرامون این موضوع با چند سند بین‌المللی مواجهیم که عبارتند از: کنوانسیون‌های کار اجباری ۱۹۳۰ (شماره ۲۹) و ۱۹۵۷ (شماره ۱۵۰)، کنوانسیون‌های راجع به بردگی، کنوانسیون حمایت از حقوق کارگران مهاجر و خانواده آنها، کنوانسیون حقوق کودک، کنوانسیون اشکال بد کار کودک، پروتکل راجع به پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق انسان به ویژه زنان و کودکان و اساسنامه‌های دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی سابق^۲ و دادگاه بین‌المللی کیفری^۳، میثاق بین‌المللی راجع به حقوق سیاسی و مدنی ۱۹۶۶، کنوانسیون اروپایی راجع به حقوق بشر و ... که به جهت اهمیت و ظرفیت مقاله به دو سند تخصصی مربوط یعنی کنوانسیون‌های کار اجباری می‌پردازیم و در این امر از نظرات کمیته بهره می‌گیریم.

1. Work

2. International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia (ICTY)

3. International Criminal Court (ICC)

۱.۱. مفهوم و عناصر کار اجباری در کنوانسیون ۱۹۳۰

مطابق بند اول ماده ۲ کنوانسیون کار اجباری ۱۹۳۰، کار اجباری عبارت است از:

«هر کار یا خدمتی که بر اساس تهدید به هر نوع مجازاتی انجام می‌شود و شخص مورد نظر،

خود، به گونه‌ی ارادی آن را پیشنهاد نکرده است». بر مبنای این سند، کار اجباری سه عنصر دارد:

۱- کار یا خدمت: اولین عنصر بر وجود کار یا خدمت استوار است مانند: حفر کانال یا ارائه

خدمات پرستاری یا آشپزی. مطابق نظر کمیته کارشناسان، کار یا خدمت مورد نظر کنوانسیون را

باید از تحمیل آموزش الزامی، تمییز داد. آموزش اجباری در اسناد بین‌المللی به‌عنوان وسیله

تضمین حق آموزش شناسایی می‌شود. همچنین کارآموزی شغلی اجباری، مانند آموزش اجباری

است و تشکیل دهنده کار یا خدمت اجباری مورد نظر کنوانسیون نیست اما چون کارآموزی شغلی

متضمن میزان معینی از کار عملی است باید به‌طور واقعی بررسی کرد که آیا آن کارآموزی شغلی

است یا متضمن کار یا خدمت مورد نظر کار اجباری یا قهری کنوانسیون است (ILO, 2007: 19, 20).

۲- اجرای کار یا خدمت براساس تهدید به مجازات: این عبارت شامل هر نوع تنبیه و مجازات

نامشروع است و از نظر کمیته نیازی نیست که حتماً واکنش کیفی اجرا شود بلکه ممکن است

حق یا امتیازی از شخص سلب شود مانند ترفیع، انتقال، دسترسی به وضع استخدامی جدید، تهیه

خانه و... (Ibid: 19, 20). با توجه به عنصر مزبور، آیا اجبار روانی و فشار اقتصادی تهدید به مجازات

را مطرح می‌کند؟ از نظر هیئت‌های نظارتی سازمان بین‌المللی کار، اجبار روانی ممکن است به

میزان تهدید به مجازات برسد اما تحقق تهدید به مجازات، در وضعیت فراگیر فشار اقتصادی که یک

کارگر را وادار می‌کند به شغلی تن داده یا شغل خود را حفظ کند، تردید است و کمیته تصریح

کرده که کارفرما یا دولت به دلیل فشارهای خارجی یا بیرونی غیر مستقیمی که عملاً ایجاد

می‌شود، مسئول نیستند بنابراین، نیاز به کار به منظور تامین زندگی شخصی تهدید به مجازات

قلمداد نمی‌شود (ILO, 2009: 12).

اما به نظر می‌رسد فشار روانی می‌تواند ناشی از رفتار یک کارفرما باشد مثل جایی که با دروغ و

فریب کارگران مهاجر، مدارک هویتی آنان را نگهداری و آنها را به باقی ماندن در حیطه دسترسی

کارفرما وادار کرده و به کار مجبور می‌کنند.

۳- عدم پیشنهاد ارادی انجام کار: پیشنهاد ارادی و آزادانه کار از جانب شخص، مانع تحقق کار

اجباری است اما جایی که فریب و تقلب در پیشنهاد کار دخالت دارند، موافقت کارگر، آگاهانه و

ارادی فرض نمی‌شود، به علاوه آزادی کارگر و پیشنهاد ارادی متضمن این مفهوم است که کارگر

برای ترک محل کارش آزادی داشته و بتواند رضایت خود را لغو کند (Ibid: 13). از نظر کمیته،

آزادی شغل، قابل سلب نیست و در نتیجه مقرراتی که امکان پایان دادن به دوره نامعین استخدام را

منع می‌کنند، در حقیقت رابطه قرار دادی مبتنی بر خواست و تمایل اعضاء به خدمت را نادیده گرفته و با کنوانسیون ناسازگار است. همین موضوع در موردی نیز که کارگر به ادامه خدمت فراتر از پایان مدت معین، ملزم شود، صادق است، در هر حال عنصر عدم پیشنهاد ارادی، از عنصر تهدید به مجازات جدا است و درجائی که رضایت به کار یا خدمت قبل از این و براساس تهدید به مجازات داده شده، پیشنهاد ارادی وجود ندارد. (ILO, 2007: 20, 21)

در مورد کار کودکان و رضایت آنها به کار و این که آیا رضایت والدین آنها ضروری یا کافی است، برخی قانون‌گذاران سن کمینه ای را برای کار کودکان و انعقاد قرارداد کار پذیرفته‌اند و گاه هم‌زمان با سنی است که حضور الزامی در مدرسه پایان می‌یابد، با این وجود مطابق کنوانسیون‌های سازمان، کاری که سلامتی، امنیت یا اخلاقیات کودک را به خطر می‌اندازد، برای اشخاص زیر ۱۸ سال ممنوع است. بنابراین کودکان یا افرادی که بر آنها ولایت دارند، نمی‌توانند برای ورود کودکان به چنین کارهایی، رضایت معتبر دهند. کمیته کارشناسان در موارد متعددی، درخواست کرده تا استخدام کودکانی که برای مشاغل و تخصص‌های نظامی بکار گرفته شده‌اند، ملغی شود (Ibid: 21).

تصمیمات قضائی در برخی کشورها، به عناصر مورد نظر کنوانسیون استناد کرده‌اند، ولی عناصر مزبور، مانع از انطباق عناوین مشابه با کار اجباری بر قضایا نشده است چنانکه در رویه‌های سازمان، پروتکل راجع به قاچاق انسان، اساسنامه‌های دادگاه یوگسلاوی سابق و دادگاه بین‌المللی کیفری، تعاریف وسیعی از قاچاق انسان و بردگی ارائه می‌شود که شامل کار اجباری هم می‌شود چنانکه مفهوم کار اجباری بر بیشترین اشکال از بردگی، به استثنای اشکالی از بردگی که شامل مالکیت است، منطبق شده است و سازمان نیز سازوکارهایی را بررسی کرده که اعمال متنوعی با کار اجباری مرتبط شوند (ILO, 2009: 5, 9). این وضعیت بهره‌گیری از عنوان تعدد اعتباری را متبادر می‌سازد.

۲.۱. اشکال کار اجباری در کنوانسیون ۱۹۵۷

کنوانسیون الغای کار اجباری ۱۹۵۷، در مقام بازبینی در کنوانسیون ۱۹۳۰ نیست و تغییری در مفهوم و تعریف کار اجباری ایجاد نمی‌کند (Swepston, 2014: 8) اما تکمیل‌کننده مفهومی-مصدیقی آن است و تدابیر جدیدتر الغای کار اجباری ناقض حقوق بشر را مطرح و در مقام آن است تا هیچ شکلی از کار اجباری، استفاده نشود و احترام به برخی حقوق بنیادین انسان تضمین شود. این کنوانسیون می‌خواهد هر عضو متعهد شود که اشکال کار اجباری مندرج در سند را سرکوب

کند: در این بخش، اقسام کار اجباری مورد نظر سند را به‌ویژه با نگرش به آخرین نظرات کمیته کارشناسان، بررسی و تحلیل می‌کنیم.

۱.۲.۱. کار اجباری با هدف سیاسی یا مرامی

در هر کشوری پاره‌ای از حقوق و آزادی‌ها مانند آزادی بیان و اندیشه، حق اجتماعات و انجمن‌های صلح آمیز، آزادی از توقیف خودسرانه و حق بر دادرسی منصفانه پیش‌بینی شده است. تضمین رعایت این حقوق مانعی است از یک سو در برابر تحمیل کار اجباری به خاطر داشتن نظرات سیاسی و ایدئولوژیکال و از سوی دیگر اجبار سیاسی یا آموزشی افراد. با این حال در هر کشوری، به وسیله قانون محدودیت‌های معینی تحمیل می‌شود تا از این حقوق سوء استفاده نشود و مثلاً تحریکی به خشونت، نزاع مدنی^۱ یا تنفر نژادی^۲ صورت نگیرد. برقراری این محدودیت‌ها با هدف تضمین و احترام به حقوق و آزادی‌ها و مراعات الزامات اخلاقی، نظم عمومی^۳ و به‌طور کلی آسایش و رفاه در یک جامعه مردم سالار است.

همچنین حقوق و آزادی‌ها ممکن است در یک دوران استثنائی و معین و به‌عنوان نتیجه اعلام وضعیت اضطراری^۴ یا حالت محاصره^۵ و غیره محدود شود و مقامات حکومتی، محدودیت‌های قابل توجهی را در مورد حقوق و آزادی‌های فردی، تحمیل کنند. گاهی این محدودیت‌ها با مجازات‌های کیفری متضمن کار اجباری اجرا می‌شود. این استثناء، در کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به میزانی که وضعیت کاملاً ضروری اقتضاء کند^۶، شناسائی شده است^۷. بنابراین کنوانسیون ۱۹۵۷ در ماده یک (A)، هماهنگ با اسناد بین‌المللی دیگر از دولت‌ها می‌خواهد تا کار اجباری را که از آن به‌عنوان یک وسیله اجبار سیاسی یا آموزشی یا به‌عنوان مجازات داشتن یا ابراز نظرات و دیدگاه‌های سیاسی یا ایدئولوژیکال مخالف با نظام اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حاکم و مستقر است را ملغی کنند؛ چنانکه مطابق تحقیق کمیته کارشناسان، حالت‌هایی وجود داشته که تبلیغات علیه دولت سوسیالیست یا کمک به تغییر نظم سوسیالیستی یا فعالیت‌های سیاسی خاصی چون مشارکت در گروه‌های سیاسی یا نمایش شعارها و علاماتی که هدف سیاسی دارد، با

1. Civil Strife

2. Racial Hatred

3. Public Order

4. Emergency Situation

5. State of Siege

6. "to the Extent Strictly Required by the Exigencies of the Situation".

7. Art. 4 of the International Covenant on Civil and Political Rights.

محدودیت‌ها یا مجازات‌های متضمن کار اجباری مواجه بوده است و بعدها در تعدادی از کشورها این مقررات بازنگری و اصلاح شدند. (ILO, 1979, 71, 72)

بررسی مقررات چند کشور، نشان می‌دهد محدودیت‌های آزادی بیان که بر انواع گوناگونی از آزادی انتشار موثرند، به تدریج اشکال دیگری را نیز پوشش داده اند، مانند: منع حضور یا مخاطب قرار دادن تجمعات یا انجمن‌هایی که دیدگاه‌های مخالف با نظام مستقر دارند که اگر این محدودیت‌ها به وسیله مجازات‌های متضمن کار اجراء شوند، همان تجویز کار اجباری و داخل در قلمرو کنوانسیون است و کمیته در چند مورد بازنگری در این مقررات را مورد توجه قرار داده است ولی در موردی که مقامات دولتی به دستاویز دلیل‌های کلی مثل منافع ملی، نظم یا رفاه و آسایش عمومی، فعالیت انجمن‌های معینی را تعلیق یا از ایجاد یا مشارکت در آنها ممانعت کنند، اگر این تدابیر به وسیله مجازات‌های متضمن کار اجباری از جمله کار اجباری زندان، اجراء نشود داخل در قلمرو کنوانسیون نیست. در نهایت حسب رای کمیته کارشناسان، مقرراتی که آزادی اجتماعات و انتشارات را محدود و متضمن مجازات کار اجباری است، باید مورد بازنگری قرار گیرد تا کنوانسیون به درستی اجراء شود. سوای مقررات مربوط به انجمن‌ها و انتشارات، در برخی کشورها محدودیت‌هایی در مورد بیان نظرات از جانب مستخدمین کشوری ادارات دولتی، وجود دارد و آنها از فعالیت‌های سیاسی، به دلیل حفظ بی طرفی و اطمینان جامعه، منع می‌شوند.

در این موارد معمولاً نقض این قاعده با مجازات‌های اداری و انضباطی که متضمن کار اجباری نیست، پاسخ داده می‌شود ولی در مواردی که مجازات‌های شدید متضمن وظیفه کار وجود دارد، این مقررات نه تنها مخالف ماده ۱ (A) کنوانسیون است بلکه معارض با ماده ۱ (C) کنوانسیون است که استفاده از هر شکل کار اجباری را به‌عنوان یک وسیله نظم کاری، منع می‌کند (ILO, 2007: 88, 90, 91).

۱.۲.۲. کار اجباری با هدف پیشرفت اقتصادی

به موجب ماده ۱ (B) کنوانسیون، استفاده از کار اجباری به‌عنوان یک روش بسیج عمومی با هدف پیشرفت اقتصادی^۲، ممنوع است. این منع شامل فرضی که کار اجباری برای توسعه اقتصادی، شکل موقتی و ماهیت استثنائی دارد، نیز می‌شود. کمیته کارشناسان در سال ۱۹۹۷، به کشورهای که کنوانسیون ۱۹۵۷ را تصویب نکرده و به کار اجباری برای اهداف توسعه متوسل می‌شوند، یادآوری کرد که تجربه کشورها نشان می‌دهد کار اجباری عملاً یک روش سودبخش برای توسعه

-
1. Mobilizing
 2. Economic Development

اقتصادی نیست و این عمل با استانداردهای سازمان و موازین حقوق بشر موافق نبوده و کشورها می‌توانند در این موارد از کمک‌های بین‌المللی و جایگزین‌های مناسب کار اجباری، بهره‌مند شوند. ضمن اینکه تحمیل کار اجباری به مردم توسط مقامات و برای توسعه اقتصادی، نقض کنوانسیون ۱۹۳۰ است (Ibid:91,92).

در تعقیب الغای کار اجباری به‌عنوان روشی برای پیشرفت اقتصادی، کمیته کارشناسان علاوه بر قضایای اجبار مستقیم به کار، روش‌هایی که با آن مردم به شکل غیر مستقیم به کار مجبور می‌شوند را نیز مورد توجه قرار داد و کمیته ویژه دریافت که در عمل روش‌های وسیعی از کار اجباری برای توسعه اقتصادی که ناشی از ترکیب روش‌های مختلف اجبار به کار است، وجود دارد مانند ایجاد محدودیت برای موضوعاتی که با آزادی شغل مربوط است مثل ممنوعیت کارگران از پایان دادن به قرارداد کار، اجبار به تمدید قرارداد، اعمال مجازات برای نقض قرارداد کار، محدودیت آزادی تحرک یا مالکیت یا بهره‌گیری از زمین و اجرای توهین آمیز مقررات ولگردی (Ibid:93).

۱.۲.۳. نظم بخشی به کار

کنوانسیون ۱۹۵۷ در ماده ۱ (C)، بهره‌گیری از کار اجباری را به‌عنوان وسیله نظم بخشی به کار منع کرده است. این ممنوعیت شامل اقدامات مختلفی است که اجباراً برای تضمین اجرای مناسب کار یا خدمت توسط کارگران انجام می‌شود. البته بسیاری از کشورها از کار اجباری به‌عنوان یک روش برقراری نظم کار استفاده نمی‌کنند و به‌طور معمول، نقض نظم کار با مجازات اداری یا مجازات دیگری که دارای خصیصه مالی / نقدی است، پاسخ می‌دهند یا در مورد کارگرانی که با عمل خود مانع فرآیند تولید شده «جرم علیه تولید» را مقرر کرده‌اند اما در کشورهای معینی، مجازات‌های متضمن کار اجباری شامل کار اجباری زندان بر کارگران و به دلیل نقض نظم کار تحمیل می‌شود. پاره‌ای از این موارد عبارتند از: نقض توافق حل و فصل اختلاف، قصور در اجرای دستور دادگاه برای اجرای یک قرارداد استخدام، قصور در اجتناب از تلف کردن کالاها یا مواد یا مطابقت دادن استانداردهای فنی یا پلان کلی تولید.

کمیته کارشناسان این دولت‌ها را دعوت کرده که برای انطباق مقررات خود با کنوانسیون و الغای موارد مغایر، اقدامات ضروری اتخاذ کنند. با وجود این ممکن است با هدف حمایت از منافع عمومی، نقض نظم کار از جانب اشخاصی که برای خدمات عمومی مثل آب، برق، گاز، آتش نشانی یا بهداشت استفاده می‌شوند، مجازات شود. کمیته کارشناسان بر این نظر است که کنوانسیون مورد نظر، تحمیل مجازات، حتی اگر متضمن کار اجباری باشد، در مورد رفتارهایی که ناقض نظم کاری است و باعث اختلال یا ایجاد خطر در عملیات خدمات رسانی ضروری می‌شود یا این که اجرای

وظایف مربوط برای امنیت، حیات یا سلامت شهروندان ضروری است، منع نمی کند ولی در این موارد باید یک خطر موثر نه صرفاً یک زحمت / دردسر وجود داشته باشد و نتیجه نهائی این که مقررات کیفری در این مورد، ناسازگار با کنوانسیون نیست (Ibid:95).

همچنین در برخی کشورها، مقررات مربوط به دریانوردی بازرگانی و ماهیگیری اجازه می دهد تا مجازات های کیفری متضمن کار اجباری برای نقض نظم کار، تحمیل شوند. در این مورد نیز کمیته کارشناسان تمییزی برقرار کرده بین مقررات مربوط به اعمالی که مربوط به خطر افتادن کشتی، حیات یا سلامت اشخاص است و مقرراتی که مربوط به نقض نظم کار است مثل ترک خدمت (فرار)، غیبت بدون اجازه یا عدم اطاعت که وفق قانون دریانوردان به برگشت روی عرشه کشتی اجبار می شوند که فقط موارد اخیر مشمول کنوانسیون است و کمیته درخواست کرده که دولت ها با رایزنی مالکان کشتی و دریانوردان، این مقررات را مورد بازنگری و با کنوانسیون منطبق کنند، بنابراین برخی کشورها در مقررات کشتیرانی بازرگانی اشان تجدید نظر کردند مثلاً بریتانیا برخلاف برخی کشورها، قانون دریانوردی ۱۸۹۴ خود را با قانون ۱۹۷۰ اصلاح کرد (Ibid:97,98).

۱.۲.۴. مجازات شرکت در اعتصاب

ماده ۱ (D) کنوانسیون، کار اجباری به عنوان مجازات مشارکت در اعتصابات را منع می کند بدون آنکه مجازات اخلال در نظم عمومی مانند ارتکاب اعمال خشونت آمیز یا حمله و تخریب اموال مرتبط با این اعتصاب را، حتی اگر این مجازات متضمن کار اجباری است، منع کند. کنوانسیون از اصول مترقی در زمینه آزادی اجتماعات، پیروی می کند و با پیش بینی مزبور حق اعتصاب، تعیین محدودیت های مربوط به حق اعتصاب و به ویژه محدودیت های مربوط به خدمات ضروری، وضعیت اضطراری، اعتصابات سیاسی و شرائط آن را تا حدی که به کار اجباری مربوط است، در قلمرو حمایتی خود در ماده ۱ (D) قرار می دهد. اعتصاب قابل مجازات با کار اجباری در کشورهای محدودی وجود دارد و کمیته کارشناسان خواهان الغاء این مقررات بوده است اما کمیته مزبور منع قانونی و تعلیق اعتصاب و مجازات متضمن کار اجباری برای اعتصاب در وضعیت بحرانی و فورس ماژور و آنهم در یک دوره معین و محدود را قابل پذیرش می داند و وضعیت بحرانی را به زمانی مربوط می کند که موجودیت یا آسایش تمام یا بخشی از جمعیت، در معرض خطر است؛ بنابراین در مواردی که از این چارچوبه تجاوز شود، کمیته به بازنگری و الغای مقررات و اعاده حق اعتصاب نظر داده است (Ibid:100).

همچنین حق اعتصاب در رابطه با خدمات عمومی و اضطراری، قانوناً دارای محدودیت است و به نظر کمیته کارشناسان، معیار خدمات اضطراری با ماهیت وظایف مربوط سنجیده می شود زیرا

ممکن است کارگران در بخش های خصوصی یا شبه خصوصی وظایفی را اجرا کنند که مثلاً به دلایل امنیتی در زیر عنوان خدمات اضطراری قرار می گیرد و کارگرانی وجود دارند که متعلق به بخش عمومی اند اما با گروه‌هایی که برای آنها منع یا محدودیت حق اعتصاب پذیرفته می شود، یکسان نیستند. به نظر کمیته مزبور خدمات عمومی مفهوم خیلی وسیعی دارد و منع حق اعتصاب باید به مستخدمان خدمات عمومی که به نام دولت اقدام می کنند، محدود شود.

با وجود این، کمیته کارشناسان معتقد است مقرراتی که مجازات زندان متضمن کار اجباری را بر کارکنان زن خدمات عمومی تحمیل می کند که بر استعفاء، ترک یا اهمال در انجام وظایف یا تحریک به یک اعتصاب تبانی می کنند، باید نسخ شوند (Ibid: 101,102).

منع یا محدودیت اعتصاب کارکنان خدمات عمومی هنوز در برخی از کشورها و با قانون گذاری متفاوت وجود دارد مثلاً در مواردی قانون، خدمات عمومی ضروری را که در آن اعتصاب به نظم و منافع عمومی یا تحولات اقتصادی ضرر می زند، تعریف می کند و حتی بیانیه صرف یک مقام صالح را برای توجیه آن کافی می داند. کمیته کارشناسان در راستای آزادی اجتماعات و مذاکرات دسته جمعی کارگر و کارفرما، حق اعتصاب را می پذیرد و بر این باور است که خدمات ضروری که در مورد آن اعتصاب به طور کامل یا جزئی رد می شود، باید به شکل محدودی تعریف و فقط شامل خدماتی شود که تعلیق آنها حیات، امنیت یا سلامتی همه یا بخشی از مردم را به خطر می اندازد. در برخی کشورها منع اعتصاب علاوه بر خدمات ضروری، صنایع یا خدماتی را شامل شده که تعلیق آنها در شرایط عادی، اگرچه حیات، امنیت یا سلامت تمام یا بخشی از مردم را به خطر نمی اندازد اما برای منافع عمومی یا اقتصاد ملی زیانبار قلمداد می شود. برخی کشورها نسخ یا اصلاح این مقررات را آغاز کرده اند مثلاً در مورد شرکت دریانوردان در اعتصاب، تحمیل مجازات متضمن کار اجباری، محدود به وضعیتی شده که اعتصاب، کشتی یا سلامت اشخاص را در معرض خطر قرار می دهد (Ibid:102-105).

از سوی دیگر، منع اعتصابات سیاسی محض خارج از قلمرو کنوانسیون است ولی اغلب تمییز بین جنبه های کار و سیاسی اعتصاب غیرممکن است زیرا گاهی سیاست یک حکومت به کارگران و کارفرمایان مربوط می شود و یا هر اعتصابی را ممکن است سیاسی ارزیابی کرد بنابراین به نظر کمیته کارشناسان، سازمان های مسؤل دفاع از منافع حرفه ای، اقتصادی و اجتماعی کارگران باید قادر به استفاده از اعتصاب باشند تا ضمن حراست از جایگاه آنها، به جست و جوی راه حل مسائلی بپردازند که سیاست های کلی اقتصادی- اجتماعی حاکم، به ویژه آنچه که به استخدام، حمایت اجتماعی و استاندارد زندگی مرتبط است، بر اعضاء و کارگران تأثیر مستقیمی دارد؛ بنابراین تا حدی که محدودیت های به کارگیری چنین اعتصابات با مجازات های متضمن کار اجباری مربوط

است، کمیته کارشناسان معتقد است که چنین محدودیت هائی نباید اعمال شود هم بر موضوعاتی که احتمالاً از طریق امضای موافقت نامه دسته جمعی حل و فصل می‌شود و هم بر موضوعاتی که از ماهیت وسیع اقتصادی- اجتماعی برخوردارند و بر منافع حرفه‌ای موثرند (Ibid:107).

۱.۲.۵. تبعیض نژادی، اجتماعی، ملی یا مذهبی

کنوانسیون استفاده از هر شکل کار اجباری به عنوان یک وسیله تبعیض نژادی، اجتماعی، قومیتی و مذهبی را منع و الغای هر شکل از تمایز تبعیض آمیز اجرای کار مبتنی بر دلایل مذهبی، قومیتی، اجتماعی یا نژادی را ضروری می‌داند حتی اگر اجرای خاصی از کار مانند خدمت نظام وظیفه، مشمول کنوانسیون نباشد. همچنین در فرضی که جرم عمومی مستوجب مجازات متضمن کار اجباری، تحت شمول بندهای (a)، (c) یا (d) ماده ۱ کنوانسیون نیست اما در مورد گروه‌های تعریف شده نژادی، اجتماعی، قومیتی و مذهبی اعمال می‌شود، مشمول کنوانسیون بوده و با آن مغایر است. مقرراتی که به جهت مذکور اجازه کار اجباری می‌دهند، بسیار نادرند زیرا معمولاً قوانین اساسی و عادی، تساوی شهروندان را تضمین و این مقررات ملغی یا دیگر اعمال نمی‌شوند و در فرآیند نسخ هستند ولی در برخی موارد انجام برخی رفتارهای مغایر قانون، مستوجب مجازات متضمن کار برای اشخاصی معرفی شده است که متعلق به گروه‌های خاص اجتماعی‌اند و چون این وضعیت مشمول کنوانسیون است، کمیته کارشناسان از این کشورها خواسته است تا مقررات خود را اصلاح و با کنوانسیون منطبق کنند (Ibid:108,109).

۲. استثناء های کار اجباری

اسناد بین‌المللی اشکال معینی از کار یا خدمات را، استثنائاً و صریحاً از شمول کار اجباری خارج کرده اند، این موارد عبارتند از:

۱.۲.۱. خدمت وظیفه نظامی

کنوانسیون ۱۹۳۰ با توجه به توافق کشورها، کار یا خدمتی را که به موجب قوانین خدمت نظامی، کار با خصوصیت کاملاً نظامی است، از شمول کار اجباری و به توجیه ضرورت دفاع ملی، استثناء کرده است ولی این توجیه برای تحمیل «کار عمومی» وجود ندارد زیرا آن مخالف کنوانسیون در الغای تمام اشکال کار اجباری است. شرط ویژگی «کاملاً نظامی»، به پیشگیری از احضار سربازان برای کارهای عمومی کمک می‌کند ولی گاه در اوضاع واحوال خاص، یک فعالیت غیر نظامی در چارچوب یک خدمت نظامی یا به عنوان جایگزین آن اجراء می‌شود که آن با کنوانسیون مغایر

نیست، زیرا سربازان مثل هر شهروند دیگری ممکن است برای کار در موقعیت‌های اضطراری، دعوت شوند و استفاده از آنها در این وضعیت با استثنای دیگر کنوانسیون در مورد کار یا خدمت در حالت اضطراری منطبق می‌شود. از طرف دیگر به هنگام تنظیم کنوانسیون، پذیرفته شد که سربازان واحدهای مهندسی یا مشابه آن، ممکن است به ساخت جاده یا پل به عنوان بخشی از کارآموزی نظامی، مجبور شوند. همچنین افرادی که به خدمت نظامی احضار و به آنها حق انتخاب خدمت مناسب نظامی یا کار غیر نظامی پیشنهاد می‌شود از نظر کمیته کارشناسان، این وضعیت انتخاب بین کار ارادی و خدمت اجباری نیست بلکه انتخاب بین دو شکل از خدمت اجباری است که یکی مشمول استثنای کنوانسیون است و دیگری خیر. البته این استثناء در مورد خدمت وظیفه نظامی الزامی است و به خدمات کارکنان متخصص نظامی یا نیروهای موسوم به کادر که با اختیار کار خود را انتخاب کرده‌اند، مربوط نیست ولی کنوانسیون این گونه نظامیان را از حق ترک محل خدمت در زمان صلح و مثلاً با اعلام موضوع در مدت معقول، محروم نمی‌کند (Ibid:22,23).

۲.۲. خدمت وظیفه مدنی

استثنای دیگر «کار یا خدمتی است که بخشی از وظایف مدنی عادی شهروندان یک کشور مستقل را تشکیل می‌دهد» و از مصادیق آن، خدمت منصفانه اجباری و کمک به شخص در معرض خطر است. کمیته کارشناسان در آخرین نظراتش اعلام کرده که استثنای مقرر در بند ۲(B) ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۳۰ باید در کنار مقررات دیگر بررسی شود و کنوانسیون نمی‌خواهد کار اجباری را در پرتو چنین استثنائی توجیه کند بنابراین، نمی‌توان در پرتو این استثناء، با بسیج مردم و بهره‌مندی از کار آنها، هدف پیشرفت اقتصادی را دنبال کرد که در این صورت کار اجباری است (Ibid:24).

۳.۲. محکومیت قانونی

زندان اغلب بر پایه مکافات با انواع مختلف کار اجباری به وسیله زندانیان پیوند داشته و کنوانسیون ۱۹۳۰، کار زندانیان را در پرتو شرایط زیر از شمول کار اجباری خارج کرده است ولی مرزی بین دو نظام کار سخت (شاق) و کار عادی، ترسیم نکرده زیرا تفاوت اساسی بین این دو نیست.

۱.۳.۲. محکومیت در یک دادگاه قانونی

کار اجباری باید نتیجه محکومیت در یک دادگاه قانونی باشد و اشخاص بازداشت شده‌ای که محکوم نشده و منتظر محاکمه‌اند یا بدون محاکمه بازداشت‌اند، نباید ملزم به کار شوند ولی مستفاد از کنوانسیون منعی برای این دسته از زندانیان وجود ندارد که با درخواست و رضایت خود، کار قابل

دسترسی را در اختیار گیرند. از سوی دیگر کار اجباری تحمیلی به وسیله مقامات اداری یا مقامات و هیئت های غیر قضائی انطباقی با کنوانسیون ندارد و عبارت «دادگاه قانونی» مندرج در کنوانسیون دلالت دارد که تحمیل کار فقط با رعایت تضمینات مقرر و مورد قبول یک دادرسی منصفانه است مانند: فرض بیگناهی، تساوی در مقابل قانون، نظم و بیطرفی در فرآیند رسیدگی، استقلال و بی طرفی دادگاه ها، عدم عطف قانون به گذشته. بنابراین هیچ کاری تحمیل نمی شود مگر به خاطر ارتکاب جرم، و این که آن نتیجه یک فرآیند دادرسی قانونی است. با این حال در برخی کشورها، قانون گذاران به مقامات اداری اختیار داده اند که کار اجباری را بر اساس مقررات مربوط و بدون دخالت دادگاه تحمیل کنند؛ اگرچه در برخی کشورها این مقررات نسخ شده اند (ILO, 2007: 25, 26).

۲.۳.۲. نظارت و کنترل مقامات عمومی

وفق کنوانسیون، کار یا خدمت اجباری در مورد محکومین، وقتی از شمول سند خارج است که بر اساس نظارت و کنترل مقامات عمومی انجام گیرد، دلیل این امر برخورداری زندانیان از حقوق کارگران آزاد و رعایت حدود قانونی در مورد آنان است. مقامات اجرایی در زندان های دولتی، مسؤول سازماندهی و نظارت بر کار زندانیان اند و در زندان هایی که به شکل خصوصی اداره می شوند، کمیته کارشناسان درجه نظارت و کنترلی که واقعا به وسیله مقامات عمومی اجرا می شود را مورد توجه قرار داده است (Ibid: 26)، چنانکه در مجازات خدمات عمومی معمولاً نظارت و کنترل مقامات رسمی از طریق ماموران تعلیق اجرای مجازات، اعمال می شود. همچنین کنوانسیون، کار و خدمات اجباری محکومان را به شرطی از شمول خود استثناء می کند که اشخاص محکوم، اجیر اشخاص خصوصی، شرکت ها یا انجمن ها نبوده یا در اختیار آنها قرار نگیرند (ILO, 2003: 42). کمیته کارشناسان تصریح کرده که برای خارج کردن کار زندانیان از قلمرو کنوانسیون هر دو شرط باید یکجا لحاظ شود یعنی زندانیان باید تحت نظارت و کنترل مقامات عمومی قرار گیرند اما این شرط موجب معافیت از شرط دوم نیست که به موجب آن زندانیان نباید به اشخاص خصوصی، شرکت ها یا انجمن ها واگذار یا در دسترس آنها قرار گیرند. به هنگام بررسی اجرای کنوانسیون در مورد کشورهایی که اشخاص خصوصی در فرآیند به کارگیری زندانیان به عنوان سازمان دهنده، ناظر، بهره بردار یا ذینفع دخالت دارند، کمیته کارشناسان با استناد به دو عبارت: اجاره^۱ و در اختیار قرار

1. Hired to

دادن^۱ نظر داد که دو عبارت مزبور به طور ضمنی در بردارنده این معنی است که زندانیان موافقتی به این ترتیب نداده‌اند (ILO,2007:27).

۲.۳.۱. اجاره دادن

عبارت اجاره دادن در کنوانسیون شامل تعاریف زیر بوده است:

۱- نظام اجاره^۲ ۲- نظام قرارداد عمومی^۳ و ۳- نظام قرارداد خاص^۴. نظام اول مبتنی بر قرارداد بین دولت و پیمانکار است که زندانیان به پیمانکار مستاجراجره داده می‌شوند. تعهدات قراردادی پیمانکار عبارتست از منزل دادن، تهیه لباس، محافظت از زندانی و پرداخت یک نرخ معین سرانه توافقی و در مقابل او حق دارد زندانیان را برای دوره قرارداد به کار گیرد. در نظام دوم، تامین ساختمان‌ها و امکانات ضروری برای اسکان زندانیان و مراقبت از آنها، نصب و پرداخت حقوق مأموران بر عهده دولت است و پیمانکار غذا و مواد و ابزار اولیه را تامین و به دولت یک مبلغ کلان پرداخت می‌کند و دولت موضوع کار زندانیان را به پیمانکار تفویض می‌کند. در نظام سوم، دولت ساختمان‌ها و امکانات ضروری برای اسکان زندانیان را تامین و برخلاف نظام قبلی، دولت اداره کامل زندانیان را حفظ و زندانیان را به طور فردی یا جمعی برای پیمانکار معین می‌کند و پیمانکار نیز مواد و ابزار اولیه و نمایندگان مستقیم کار را مشخص و به زندانیان برای کارشان در مقیاس روزانه یا زمان‌های معین، حقوق پرداخت می‌کند و همچون سایر نظام‌ها، محصول کار به پیمانکار تعلق دارد (ILO,2003,42).

۲.۳.۲. در اختیار قرار دادن

در این شیوه، دولت برای اجرای یک زندان خصوصی یارانه پرداخت می‌کند و زندانی در دسترس پیمانکار قرار می‌گیرد که متفاوت از اجاره است. به نظر کمیته کارشناسان در برخی کشورها زندانیان، به‌ویژه در فرایند آزادی، با به‌کارگیری خود توسط کارفرمایان یا استخدام‌کنندگان خصوصی موافقت می‌کنند مشروط به اینکه پرداخت دستمزد عادی و تامین اجتماعی آنها، تضمین شود. کمیته مزبور معتقد است بکارگیری افراد در این موارد با رضایت و اراده آزاد آنها و بدون فشار یا تهدید به مجازات است و بنابراین آنها در موقعیت کار ارادی و داوطلبانه هستند نه اجباری (ILO,2007:29,30).

1. Placed at the Disposal of
2. Lease System
3. General Contract System
4. Special Contract System

در بیشتر کشورها نظام کارمبته‌ی بر محکومیت قانونی، وفق شرایط کنوانسیون است و محکومین اصولاً در اختیار افراد، شرکت‌ها یا انجمن‌های خصوصی قرار نمی‌گیرند یا این امر فقط با رضایت آزادانه آنها و بر اساس شرایط برابر با پیشنهادهایی که به کارگران آزاد داده می‌شود، مجاز شده است. برخی کشورها نیز در عمل نشان داده‌اند که زندانیان در اختیار افراد یا موسسات خصوصی نیستند. در بسیاری از کشورها کار زندانیان برای موسسات خصوصی داخل یا خارج زندان، ترتیبی منطقی دارد که به رضایت آنها به کار و وفق شرایط مشابه با کارگران آزاد، مشروط است. برخی کشورها هم با اصلاح مقررات خود، اجازه رسمی زندانیان را ضروری یا وضعیت دستمزدها، شرایط کار و تامین اجتماعی را بهبود داده‌اند. کمیته کارشناسان در موارد متعددی به دولت‌ها یادآوری کرده که زندانیان وقتی می‌توانند در اختیار موسسات خصوصی قرار گیرند که با رضایت آنها و تضمین موارد مذکور در بالا باشد (Ibid:30,31).

۲.۴. وضعیت‌های اضطراری

مورد دیگری که استثنائاً از شمول کنوانسیون ۱۹۳۰ خارج می‌شود، کار یا خدمتی است که در وضعیت‌های اضطراری^۱ انجام می‌شود. این استثناء کمینه شامل موارد روبرو است: جنگ، یک فاجعه یا تهدید یک فاجعه مانند آتش سوزی، طوفان، قحطی و خشکسالی، زمین لرزه، بیماری‌های منتشرشونده در میان جانوران یا بیماری همه‌گیر شدید، یورش به وسیله حیوانات، حشرات یا آفت‌های گیاهی و به طور کلی هر وضعیتی که موجودیت یا رفاه تمام یا بخشی از مردم را به خطر می‌اندازد. این مثال‌ها به عبارت دیگر شامل موارد فورس ماژور^۲ یعنی یک اتفاق ناگهانی و پیش‌بینی نشده‌ای است که واکنش سریع را ایجاب می‌کند و علاوه بر این، مدت قلمرو و هدفی که برای خدمات اجباری استفاده می‌شود باید به آنچه که دقیقاً آن وضعیت اقتضاء می‌کند، محدود شود. این استثناء، نباید به گونه‌ای تفسیر شود که اجازه هر نوع خدمت اجباری در حالت جنگ، آتش سوزی یا زمین لرزه را شامل شود بلکه توسل به آن صرفاً برای کار یا خدمتی است که برای مقابله با خطر حتمی یا قریب‌الوقوع نیاز است (ILO, 1979:14) و کمیته کارشناسان نیز تأیید کرده است که قوانین و رویه کشورها در این مورد، در چارچوب محدودیت‌های مربوط بوده است ولی در کشورهای معینی، قانونگذاران وضعیت اضطراری را وسیع تعریف کرده و اجازه داده‌اند تا از آن برای کاری که متضمن منفعت عمومی است، استفاده شود مثل موردی که ساکنین یک منطقه، جاده مناسب برای حمل و نقل مکانیکی ندارند یا موارد مشابه دیگری که آشکارا از

1. Cases of Emergency
2. Force Majeure

استثنائات مقرر برای کار اجباری خارج است و با بسیج کار برای پیشرفت اقتصادی مندرج در کنوانسیون ۱۹۵۷ منطبق است. در موارد دیگری از کارگران خواسته شده تا حتی بعد از توقف شرایط اضطراری، تحت فرمان باشند (ILO, 2007: 32, 33). برای پیشگیری از هر نوع وضعیت نامناسب، کار اجباری باید به اوضاع و احوالی که یک وضعیت اضطراری واقعی وجود داشته و برای مواجهه با آن است، محدود شود. وضعیت اضطراری به وسیله تصمیم یا بیانیه مقام رسمی یا عمومی پایان می‌یابد.

۵.۲. خدمات اجتماعی کوچک

از استثنائات دیگر، خدمات اجتماعی کوچک^۱ است که به وسیله اعضای جامعه و در راستای مصالح مستقیم آن انجام می‌گیرد. معیارهای مهمی که در اجرای این خدمت و تمییز آن از کار اجباری مورد توجه قرار می‌گیرد، عبارتند از این که:

۱- این خدمات جزئی است و مربوط به تعمیر و نگهداری و در موارد استثنایی برای احداث ساختمان هائی است که قصد آن بهبود شرایط اجتماعی است مانند یک مدرسه کوچک، یک اتاق درمان و مشاوره پزشکی؛

۲- این خدمات همگانی است و در راستای مصالح مستقیم جامعه هدف و نه برای منافع یک گروه خاص است؛

۳- اعضاء یا نمایندگان آنها مثل شورای روستا، باید حق داشته باشند که در ارتباط با نیاز به چنین خدماتی مشورت دهند.

چنین خدماتی، تابع ضوابط استخدام نیست و می‌تواند شامل کارهای مرتبط با نظافت روستا، تخلیه پساب، مراقبت از پیاده روها و راهها، آبیاری، مراقبت‌های شبانه روستا، تخلیه گل و لای نهرها و... است که برای منافع محلی است و در کوتاه مدت اجراء می‌شود.

۳. کار اجباری در حقوق کیفری ایران

۳.۱. قبل از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷

پاره‌ای از پژوهشگران، نخستین اعلامیه حقوق بشر را به کورش نسبت داده‌اند و بر این باورند که فرامینش پس از تسخیر شهر بابل، آزادی ادیان، آزادی زبان و بیان و آزادی کار را به همه داد (پاشا صالح، ۱۳۸۳: ۱۲۰)، سطر ۲۶ این لوحه استوانه‌ای مقرر می‌کند: «درماندگی‌هاشان را چاره کردم و ایشان را از بیگاری برهانیدم. مردوک، خدای بزرگ از کردارهای من شاد شد» (ارفعی،

۱۳۶۶: ۴۹) برخی این سطر از کتیبه کورش را به معنای منع برده داری و کار اجباری می‌دانند (مجتهدی و لطفی عزیز، ۱۳۹۲: ۶۳).

اما شاید نکوهش بیگاری با این فرمان بیشتر قابل انطباق است تا برانداختن کامل سنت و نظام بردگی یا رویه‌های مشابه آن و شواهد تاریخی نیز این موضوع را گواهی می‌دهد (اندیشکده مطالعات یهود، ۱۳۹۷). فارغ از وضعیت حقوقی کار اجباری در عصر باستان یا پس از آن، متمم قانون اساسی مشروطه مصوب سال ۱۲۸۵ نیز ذکری از منع کار اجباری نکرد و در اصل ۱۸ آن تنها به اصل آزادی تحصیل علوم و صنایع اشاره کرد. بعد از این نظام برده داری به موجب قانون عادی، ملغی شد و با تصویب مجلس شورای ملی در تاریخ ۱۳۳۵/۱۲/۲۸، دولت ایران با اجازه مجلس شورای ملی به کنوانسیون ۱۹۳۰ ملحق شد و پس از آن در تاریخ ۱۳۳۷/۱۰/۲۷ کنوانسیون منع کار اجباری ۱۹۵۷ را تصویب کرد (عراقی، ۱۳۹۹: ۳۴۹) و به این ترتیب اولین منبع رسمی که در حقوق ایران کار اجباری را ممنوع کرد به سال ۱۳۳۵ مربوط می‌شود. قانون کار مصوب کمیسیون مشترک کار مجلسین شورای ملی و سنا مورخ ۲۶ اسفند ماه ۱۳۳۷، در ماده ۶۲ خود بر منع کار اجباری تاکید و آن را جرم انگاری کرد. اگرچه کنوانسیون‌های مزبور، مصوب قوه مقننه ایران است اما از پذیرش توصیه نامه‌های آن به ویژه توصیه نامه‌های شماره ۳۵ و ۳۶ گزارشی در دست نیست (ابدی، ۱۳۸۹: ۳۵۰).

۲.۳. پس از انقلاب اسلامی و در نظم کنونی

پس از انقلاب، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران موضوع آزادی کار و منع کار اجباری را مورد پذیرش قرارداد (حبیب‌زاده و اشکبوس، ۱۳۹۲: ۱۴۸؛ موسوی، ۱۳۷۹: ۱۰۲). به موجب اصول دوم، نوزدهم، بیستم و بیست و هشتم قانون اساسی، جمهوری اسلامی نظامی است بر پایه کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسولیت او در برابر خدا و نفی هرگونه ستم‌گری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری که تمامی مردم آن از حقوق مساوی برخوردار و یکسان در حمایت قانون قرار دارند و در این نظام هرکس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند. اصل چهل و سوم قانون اساسی ضمن اشاره به برخی اصول و ارزش‌های مورد نظر در قلمرو موضوعات اقتصادی و مالی در بند ۴ خود به رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری تصریح کرده است.

قانون کار جمهوری اسلامی ایران که تصویب آن در تاریخ دوم مهر ماه ۱۳۶۸، به اختلاف نظر میان مجلس و شورای نگهبان (از جمله در مورد فصل مجازات‌های آن) انجامید و در نهایت در

تاریخ ۲۹ آبان ۱۳۶۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام آن را تصویب کرد (عراقی، ۱۳۹۶: ۸۶). این قانون هماهنگ با قانون اساسی در ماده ۶ خود، موضوع آزادی شغل و منع اجبار افراد به کار معین و بهره‌کشی از دیگران را بار دیگر مورد تصریح قرارداد (موسوی، ۱۳۷۹: ۱۰۲) و در ادامه ماده ۱۷۲ آن، کار اجباری را جرم انگاری کرد.^۱ بر مبنای برخی اصول مورد نظر در جرم انگاری فایده انگارانه چون اصل ضرر و اصل ایجاد مزاحمت، از آنرو که این رفتار متضمن ضرر و خسارت بر دیگری است و زمینه آزار دیگران را نیز فراهم می‌کند، همچنین بر مبنای سایر اصول مکمل مورد قبول فیلسوفان حقوق کیفری مانند اصل اخلاق گرائی قانونی یا اصل کمال گرائی (فرح بخش، ۱۳۹۲: ۳۳۱-۳۵۱) جرم انگاری کار اجباری موجه است و مهمتر از این، تضمین کرامت انسانی (قماش، ۱۳۹۰: ۷۸۱-۷۸۴)، جرم انگاری آن را موجه می‌سازد. ارزش‌های اخلاقی و متعارف جامعه (ورورائی و دیگران، ۱۳۹۳: ۵۱، ۴۹؛ رستمی، ۱۳۹۳: ۶۶، ۶۵) نیز رفتار مزبور را بر نمی‌تابد، علاوه بر این پیشگیری از آن در پرتو تدابیر غیر کیفری صرف، امکان‌پذیر نیست و چنین می‌نماید که در مجموع منافع جرم انگاری و ممنوعیت کیفری این رفتار بر هزینه‌های آن برتری دارد.

با وجود موجه بودن جرم انگاری کار اجباری، مستند آن در حقوق ایران یعنی ماده ۱۷۲ قانون کار، با اصل صراحت و شفافیت که هماهنگ با اصل قانونی بودن جرم و مجازات رعایت آن از جانب قانونگذار ضروری است (اردبیلی، ۱۳۹۹: ۴۱)، سازگاری ندارد زیرا با وجود بهره‌گیری از اصطلاح کار اجباری در این ماده، تعریفی از آن ارائه نشده است.^۲ و مفهوم و مصادیق آن مبهم مانده است؛ ارجاع ماده ۱۷۲ به ماده ۶ قانون مزبور نیز که در آن به اصولی از قانون اساسی تصریح کرده است از این ابهام نمی‌کاهد زیرا در ماده ۶ قانون کار به دو موضوع منع اجبار افراد به کار معین و نیز منع بهره‌کشی از دیگری اشاره شده است ولی ماده ۱۷۲ فقط برای کار اجباری، کیفر گذاری کرده و صریحاً به بهره‌کشی از دیگری نپرداخته است. الحاق دولت ایران به دو کنوانسیون مهم بین‌المللی ۱۹۳۰ و ۱۹۵۷، تکلیف اجرای این دو سند را ایجاد کرده و ما را بر

۱. ماده ۱۷۲ قانون کار مقرر می‌دارد: کار اجباری با توجه به ماده ۶ این قانون به هر شکل ممنوع است و متخلف علاوه بر پرداخت اجرت‌المثل کار انجام یافته و جبران خسارت، با توجه به شرایط و امکانات خاکی و مراتب جرم به حبس از ۹۱ روز تا یک سال و یا جریمه نقدی معادل ۵۰ تا ۲۰۰ برابر حداقل مزد روزانه محکوم خواهد شد. هر گاه چند نفر به اتفاق یا از طریق یک مؤسسه، شخصی را به کار اجباری بگمارند هر یک از متخلفان به مجازاتهای فوق محکوم و مشترکاً مسئول پرداخت اجرت‌المثل خواهند بود. مگر آن که مسبب اقوی از مباشر باشد، که در این صورت مسبب شخصاً مسئول است.

۲. گزارش‌های سازمان بین‌المللی کار بر این موضوع اشعار دارد که بسیاری از کشورها برای کار اجباری تعریف دقیقی در مقررات خود ارائه نکرده اند (هریسی نژاد و دیگران، ۱۳۹۳: ۶۵)

آن می‌دارد تا به منظور کاستن از ابهام ماده ۱۷۲، با بهره‌گیری از موازین مندرج در اسناد مزبور و تفاسیر مربوط، مفهوم و مصادیق کار اجباری و استثناءهای آن را مشخص کنیم^۱. مطابق بند دو اعلامیه حقوق و اصول اساسی کار^۲، مصوب ۸۶ جلسه کنفرانس بین‌المللی کار، همه دولت‌ها حتی اگر به کنوانسیون ملحق نشده و آن را تصویب نکرده باشند، ملزم به احترام، ترویج و محقق کردن همراه با حسن نیت اصول مربوط به حقوق اساسی کار هستند که از زمره آنها الغای تمامی اشکال کار اجباری است (ILO, 2010:7) و فارغ از تصویب یا عدم تصویب اسناد مربوط، تمام دولت‌ها ملزم به احترام و اجرای اصول آنند (ابدی، ۱۳۸۹: ۳۴۷) و باید هر ساله گزارش عملکرد خود در ارتباط با تعهدات مندرج در مقوله نامه‌ها را به سازمان بین‌المللی کار اعلام کنند (عراقی، ۱۳۹۹: ۳۵۸). بنابراین منع کار اجباری با قانون اساسی ما موافق و پیش از آن با تعهدات بین‌المللی و کنوانسیون‌های پذیرفته و تصویب شده ایران همخوانی دارد و این اسناد وفق قانون اساسی و ماده ۹ قانون مدنی در حکم قانون است که علاوه بر قانونگذار، مورد توجه مقامات قضائی و دادرسی کیفری قرار می‌گیرد به گونه‌ای که شایسته است برای روشن ساختن تعریف جرم کار اجباری، تا حدی که اصل قانونی بودن جرم نقض نمی‌شود، از این اسناد بهره‌گیری. الزامات سازمان بین‌المللی کار که در قالب پیمان نامه‌ها، مقوله نامه‌ها یا توصیه‌نامه‌ها ظاهر می‌شود، به مقوله حقوق بشر توجه دارد و حقوق بشر نیز بر رعایت شان و کرامت انسانی مبتنی است که اصولاً برای هر انسانی فارغ از رنگ، نژاد و عقیده کرامت ذاتی قائل است بنابراین در جرم کار اجباری، آنچه که در درجه اول نقض می‌شود کرامت و شان والای انسانی است و از اینرو آن را جرمی ضد کرامت انسانی ارزیابی می‌کنیم که هر شخص یا گروهی اگرچه به دستاویز توسعه، به آن توسل جوید برخلاف شان انسانی رفتار کرده و اقدام او مغایر حقوق بشر و کرامت انسانی است و حتی اگر دولتی، اسناد بین‌المللی مربوط به آن را تصویب نکند یا بدان عینیت نبخشد، برخلاف استانداردهای بین‌المللی در این مورد رفتار می‌کند و باید به جامعه بین‌المللی پاسخ دهد (ولف، ۱۳۸۳: ۱۰-۱۲).

با مشخص شدن مفهوم و ماهیت کار اجباری، موضوع دیگری که مطرح می‌شود این‌که بسیاری از موارد کار اجباری نه در بخش اقتصاد رسمی و مشروع (مثلاً در کارخانه‌ها) بلکه در بخش اقتصاد غیر رسمی و زیر زمینی انجام می‌گیرد و امر مزبور، این سؤال را مطرح می‌کند که آیا ماده ۱۷۲ قانون کار فقط شامل کارگران مورد حمایت قانون کار و در روابط بین کارگران و کارفرمایان قابل استناد است یا اعم از آن بوده و شامل کار اجباری در روابط سایر افراد دیگر نیز

۱. همچنانکه ماده ۶۲ قانون سابق کار نیز از این روش پیروی می‌کرد.

2. Declaration on Fundamental Principles and Rights at Work

می‌شود؟ به عبارت دیگر آیا هر بزه دیده کار اجباری می‌تواند به استناد آن مورد حمایت کیفری قرار گیرد؟ از برخی نظرات به دست می‌آید که با توجه به محتوای قانون کار و مفاهیم کارگر، کارفرما و کارگاه و مستند به مواد ۵ و ۱۸۸ قانون کار، جرم مقرر در ماده مزبور فقط شامل کارگران مشمول قانون کار است و شامل سایر افرادی که مشمول مقررات خاص هستند، نمی‌شوند (الهیان، ۱۳۹۰: ۱۰-۳۴؛ سپهری، ۱۳۹۰: ۱۶). به نظر می‌رسد ظاهر ماده ۱۷۲ قانون کار این نظر را تأیید نمی‌کند و عبارات ماده مزبور مبنی بر منع کار اجباری به هر شکل یا گماردن شخصی به کار اجباری از طریق اتفاق چند نفر یا یک مؤسسه شامل تمام افراد و اشکال کار اجباری است، به علاوه در ماده ۱۷۲ به ماده ۶ قانون مزبور اشاره شده که ماده اخیر نیز به اصول متعدد قانون اساسی تصریح کرده که منع کار اجباری نسبت به تمام افراد را خواسته است و ظهوری در اختصاص به کارگران مشمول قانون کار ندارد. اگر کارگران در مقابل کار اجباری حمایت می‌شوند، به طریق اولی سایر افرادی نیز که قربانی کار اجباری می‌شوند و مشمول قانون خاص دیگری نیستند، نباید از این حمایت محروم شوند والا با اصل تساوی شهروندان در مقابل قانون و نفی ستم‌گری و برقراری عدالت مقرر در قانون اساسی سازگاری نخواهد داشت بنابراین، لازم است هماهنگ با کنوانسیون‌های بین‌المللی ۱۹۳۰ و ۱۹۵۷ مربوط به منع کار اجباری، در مقام براندازی تمامی مصادیق کار اجباری برآئیم. عدم پذیرش نظر بالا به معنای کاستی قوانین ایران در این قلمرو و قصور قانون‌گذار در جرم‌انگاری تمامی اشکال کار اجباری است که اهتمام به جبران مناسب آن را نیاز دارد.

قانون‌گذار ایران به موجب یک ماده واحده، کنوانسیون ممنوعیت و اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار کودک و توصیه نامه مکمل آن را در سال ۱۳۸۰ به تصویب رساند. ماده ۳ این کنوانسیون بدترین اشکال کار کودک را احصاء و به موجب تبصره ۲ ماده واحده مزبور، یکی از بدترین اشکال کار کودک که مشمول مجازات کار اجباری است، کاری است که به دلیل ماهیت آن یا شرایطی که در آن انجام می‌شود، احتمال دارد برای سلامتی، ایمنی یا اخلاقیات کودکان ضرر داشته باشد (بند ۳ ماده ۳ کنوانسیون). قانون مزبور، عنوان مجرمانه کار اجباری را الزاماً به مواردی که روابط کارگر و کارفرما بر اساس قانون کار تعریف می‌شود، محدود نکرده است. قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، این اراده قانونگذار را روشنتر مورد حمایت قرار داده است زیرا به موجب ماده ۱۵ آن بهره‌کشی اقتصادی از اطفال و نوجوانان کمتر از ۱۸ سال تمام جرم‌انگاری شده است و بند ۳ ماده یک این قانون، عنوان بهره‌کشی اقتصادی را شامل بکارگیری غیر قانونی طفل یا نوجوان و یا وادار کردن او به کار یا خدمتی که از لحاظ جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی با نظر به وضعیت طفل و نوجوان برای وی مضر یا خطرناک باشد،

تعریف کرده است که به ویژه شامل کار اجباری است و به روابط کارگر و کارفرما وفق قانون کار هم محدود نمی‌شود.

همچنین اگر قبول کنیم که ماده ۱۷۲ قانون کار فقط شامل روابط کارگر و کارفرمای مقرر در این قانون است، استناد به قانون مبارزه با قاچاق انسان برای انطباق عنوان کار اجباری با این موارد نیز موجه نیست زیرا قانون اخیر برخلاف پروتکل پالمو، برای مبارزه با بهره‌کشی از کار و خدمات دیگری برنامه‌ریزی نکرده و فقط به چهار هدف معین (فحشاء، برداشت عضو، بردگی و ازدواج) پرداخته است که در میان این مقاصد چهارگانه، به بهره‌کشی کار، تصریحی نشده و بردگی نیز قابل انطباق با کار اجباری نیست زیرا بردگی مبتنی بر مالکیت و کار اجباری مبتنی بر بهره‌کشی از کار و خدمات دیگری است.

در حقوق بین‌المللی، بعضی از مصادیق قاچاق انسان مبتنی بر بهره‌کشی از کار دیگری است و از این رو برخی ترجیح داده‌اند که در این موارد به جای قاچاق انسان از عنوان کار اجباری استفاده کنند یا بزه دیدگان این رفتار را از زمره بزه دیدگان کار اجباری قلمداد کنند (Bakirci, 2009: 163) و برخی نیز صرفاً ارتباط نزدیک قاچاق انسان و کار اجباری را تأیید می‌کنند ولی از نظر آنها این دو عنوان ماهیت واحدی ندارند (Cyrus, 2005: 4; ILO-Human..., 2005: 3). تردیدی نیست که بین قاچاق انسان و کار اجباری شباهت‌هایی ملاحظه می‌شود چنانکه در قاچاق انسان کرامت او و برخی از برجسته‌ترین حقوق انسانی قربانی مانند حق انتخاب آزاد، حق کار و اشتغال، تمامیت جسمانی، منع عدم اعمال تبعیض، حق اشخاص برای زندگی، حق اشخاص برای آزادی و امنیت، آزادی از شکنجه و رفتارهای پست و غیرانسانی، حق بر سلامتی، حق شخص بر آزادی تحرک و اقامت و... نقض می‌شود و پایمال هوس‌های خودخواهانه قاچاقچیان می‌شود (عینی، ۱۳۹۰: ۱۰۲؛ Piotrowicz, 2009: 185). در کار اجباری نیز برخی حقوق انسانی مانند حق آزادی کار و منع از بهره‌کشی نقض می‌شود اما در فرآیند جرم قاچاق انسان، نقض حقوق انسانی مشهود تر و در عین حال هر دو از زمره جرائم مغایر با کرامت انسانی‌اند، اما با وجود شباهت‌ها بین کار اجباری و قاچاق انسان، این موضوع که قاچاق انسان را از مصادیق کار اجباری، قلمداد کنیم (مجتهدی، ۱۳۹۲: ۷۵، ۷۶)، موجه نمی‌نماید بلکه فقط برخی از حالت‌های کار اجباری شامل قاچاق انسان نیز می‌شود یا قاچاق انسان به کار اجباری منجر می‌شود (Swepston, 2014: 22) و این موضوع از منظر حقوق ایران می‌تواند بین قاچاق انسان یا کار اجباری و بردگی تعدد اعتباری را مطرح کند، چنانکه دادگاه اروپایی حقوق بشر وضعیت یک زن پیش خدمت همه‌کاره را با بهره‌کشی و کار اجباری و بردگی منطبق کرده است (Follmar and Rabe, 2009: 31).



نتیجه‌گیری و پیشنهاد

کار اجباری یک پدیده جنائی زیانبار و منافعی آزادی و کرامت انسانی است که اهتمام به رعایت حقوق بنیادین بشر و کرامت انسانی، مبارزه با این پدیده را موجه می‌کند و جامعه جهانی با تصویب دو کنوانسیون ۱۹۳۰ و ۱۹۵۷، الغای کار اجباری و مبارزه با آن را آغاز و سامان داده است که بسیاری از کشورها از جمله ایران به آنها پیوسته‌اند. از راهبردهای مؤثر مبارزه با این پدیده، جرم انگاری و تعقیب کیفری آن است اما موضوعی که پرداختن به این پدیده را درخور توجه کرده است، از یک سو بررسی مصادیق و شیوه‌های پیچیده ارتکاب این رفتار وفق اسناد بین‌المللی و از سوی دیگر و در نظام حقوقی ایران، ابهام تامل برانگیزی است که در باره مفهوم این عنوان وجود دارد و نظر به جایگاه والائی که اسناد بین‌المللی و تفاسیر مربوط دارند، به نظر می‌رسد که بهره‌گیری از این اسناد و به ویژه نظرات کارشناسان سازمان بین‌المللی کار موضوعی است که باید بیش از این مورد توجه قرار گیرد تا چارچوبه حقوقی این موضوع در حقوق ایران روشن تر شود و راه مبارزه با آن هموارتر شود. بدیهی است قصور قانونگذار در تعریف شفاف این جرم، قابل اغماض نیست و شایسته است قانون مناسبی که با اسناد و رویه‌های بین‌المللی منطبق است و تمام اشکال سنتی و نوین این پدیده ناشایست را پوشش می‌دهد، مورد توجه قرار گیرد بنابراین، پیشنهاد می‌کنم تدوین قانونی در دستور کار قرار گیرد که ابهامات مربوط به مفهوم و مصادیق این پدیده جنائی را رفع و رخنه‌هایی را که مانع اقتدار قانون است، مسدود کند. بر مبنای قانون پیشنهادی؛ کار اجباری هر نوع کار یا خدمتی (چه با قرارداد یا غیر آن) است که با تهدید به مجازات و بدون آنکه شخص با رضایت معتبری داوطلب انجام آن باشد، بر او تحمیل می‌شود. مجازات کار اجباری، چه در مورد کارگران مشمول قانون کار یا غیر آن، علاوه بر جبران پنج برابر خسارات وارده به نفع آنان، مشمول حبس تعزیری درجه ۶ است. تبصره ۱: مجازات اعم از مجازات کیفری و اداری و شامل از دست دادن یک امتیاز یا ترفیع هم می‌شود.

تبصره ۲: فقط رضایت معتبر به کار قابل پذیرش است و رضایت حاصل از فریب، اغفال، تهدید و اکراه، سوء استفاده از موقعیت یا قدرت، رضایت معتبر نیست. قانون پیشنهادی تصریح می‌کند که کار، اجباری قلمداد می‌شود اگر:

الف- به عنوان یک وسیله آموزش یا اجبار سیاسی بکار رود یا به دلیل ابراز نظر سیاسی مخالف نظر دولت حاکم، بکار رود؛

ب- به عنوان روشی برای تهییج مردم و برای مقاصد توسعه اقتصادی استفاده شود؛

پ- به عنوان وسیله‌ای برای نظم کاری استفاده شود؛

ت- به عنوان مجازات شرکت در اعتصابات (یا اعتراضات) استفاده شود؛
 ث- به عنوان وسیله‌ای برای تبعیض نژادی، اجتماعی، ملی یا مذهبی اعمال شود؛
 ج- به لحاظ ماهیت یا مقتضیات آن احتمالاً برای سلامت جسمی، روانی، امنیت یا اخلاق کودک یا نوجوانان کمتر از ۱۸ سال ضرر دارد؛
 قانون پیشنهادی، برای رفع پاره‌ای ابهام‌ها، کار و خدمات زیر را استثنائاً، شامل کار اجباری نمی‌کند:

الف- خدمت نظامی اجباری به ضرورت دفاع از کشور؛

ب- کار و خدمت نوع دوستانه و مدنی؛

پ- کار با رضایت ناشی از یک محکومیت در دادگاه، تحت نظارت مقام عمومی؛

ت- خدمات اضطراری در زمان جنگ یا فجایی مانند طوفان، قحطی، زمین لرزه، بیماری‌های همه گیر؛

ث- خدمات همگانی کوچک و خرد مثل ساخت مدرسه برای روستا یا لایروبی نهرها و آبرسانی یا فاضلاب و به نفع جامعه با جلب نظر جامعه یا نمایندگان شورای روستا؛
 ج- کارورزی.

قانون پیشنهادی در نهایت مقرر می‌کند: دادگاه برای تشخیص کار اجباری با رعایت اسناد بین‌المللی مربوط از نظرات کارشناسی وزارت کار استفاده می‌کند. در موارد تردید در اجباری بودن کار، به غیر از موارد سازمان یافته، اصل بر رضایت و ارادی بودن کار است.

منابع

- ابدی، سعیدرضا (۱۳۸۹)، «مسئولیت دولت ایران نسبت به تحقق حقوق بنیادین کار در ایران»، **مجله تحقیقات حقوقی**، ویژه‌نامه شماره ۳، ص ۳۴۱-۳۷۸.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۹)، **حقوق جزای عمومی**، جلد نخست، چاپ شصتم، ویراست چهارم، تهران: نشر میزان.
- ارفعی، عبدالمجید (۱۳۸۹)، **فرمان کوروش بزرگ**، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی).
- الهیان، محمد جواد (۱۳۹۰)، **مجموعه حقوق کار: دامنه شمول قانون کار**، جلد اول، چاپ دوم، تهران: موسسه کار و امور اجتماعی.

- اندیشکده مطالعات یهود (۱۳۹۵/۱۲/۲۴)، آیا کوروش برده‌داری را لغو کرد؟، تاریخ استخراج: <http://jscenter.ir/slave-jews/cyrus/3835>: ۱۳۹۹/۰۳/۱۶
- بهمنی قاجار، محمد علی (۱۳۸۹)، «حقوق کار ایران و موازین حقوق بنیادی کار»، **اطلاعات سیاسی-اقتصادی**، شماره ۲۷۹-۲۸۰، ۱۳۸۹. ص ۱۲۴-۱۴۱.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۶۳)، **ترمینولوژی حقوق**، تهران: نشر گنج دانش.
- حبیب‌زاده، توکل؛ اشکیوس، حمزه (۱۳۹۲)، «تحلیل کار شایسته در پرتو اسناد بالادستی در جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه بررسی‌های حقوق عمومی**، سال دوم، شماره ۱، ص ۱۳۵-۱۴۶.
- رستمی، هادی (۱۳۹۳)، «جرم‌انگاری و کیفی‌گذاری در پرتو اصول محدود کننده آزادی در نظریه لیبرال»، **پژوهش حقوق کیفری**، سال پنجم، شماره اول، ص ۵۵-۸۱.
- سپهری، محمدرضا (۱۳۹۰)، **دامنه شمول قانون کار**، جلد اول، تهران: موسسه کار و تامین اجتماعی.
- صالح، علی پاشا (۱۳۸۳)، **سرگذشت قانون**، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- عبدالقادر، احمد (۱۳۹۰)، «حقوق کارگر در اسلام»، ترجمه خداداد احسانی، **فصلنامه تخصصی پژوهشنامه حقوق**، سال اول، شماره اول، ص ۱۶۵-۱۸۵.
- عراقی، عزت‌الله (۱۳۹۶)، **حقوق کار**، جلد اول، چاپ هیجدهم، تهران: انتشارات سمت.
- عراقی، عزت‌الله (۱۳۹۹)، **حقوق کار**، جلد دوم، چاپ ششم، تهران: انتشارات سمت.
- عراقی، عزت‌الله؛ رنجبریان، امیر حسین (۱۳۹۵)، **تحول حقوق بین‌المللی کار**، تهران: انتشارات موسسه کار و تامین اجتماعی.
- عینی، محسن (۱۳۹۰)، «مفهوم و ماهیت جرم سوداگری انسان در اسناد فراملی، حقوق ایران و آلمان»، **پژوهش‌های حقوق تطبیقی**، دوره ۱۵، شماره ۲، ص ۸۷-۱۱۱.
- فرح‌بخش، مجتبی (۱۳۹۲)، **جرم‌انگاری فایده‌انگاران**، چاپ اول، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- قماش، سعید (۱۳۹۰)، «کرامت انسانی مقتضی گسترش جرم‌انگاری»، **مجله تحقیقات حقوقی**، ضمیمه شماره ۵۶، ص ۷۶۷-۸۰۸.
- محمدیان، علی؛ حائری، محمدحسن (۱۳۹۳)، «تحلیل فقهی حقوق کارگردر جامعه اسلامی با رویکردی بر آرای امام خمینی (ره)»، **نشریه مدیریت اسلامی**، سال ۲۲، شماره ۲، ص ۲۳۳-۲۵۳.

مجتهدی، محمدرضا؛ لطفی عزیز، اکبر (۱۳۹۲)، «بررسی تطبیقی کار اجباری در ایران در پرتو اسناد بین‌المللی»، نشریه کانون وکلای دادگستری آذربایجان شرقی، شماره های ۳۱-۳۲، ص ۵۹-۸۰.

موسوی، سید فضل‌الله (۱۳۷۹)، «نگاهی به جنبه‌های عمومی حقوق کار با تکیه بر قانون کار جمهوری اسلامی ایران»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۵۰، ص ۸۹-۱۳۶.

معین، محمد (۱۳۸۲)، فرهنگ فارسی معین-یک جلدی تلخیص، ویرایش و اضافات واحد پژوهش و برنامه‌ریزی انتشارات معین، چاپ دوم، تهران: انتشارات معین.
ورورائی، اکبر؛ سعادت، رضا و هاشمی، حمید (۱۳۹۲)، «تاثیر اخلاق در جرم انگاری و جرم زدائی در نظام حقوق کیفری اسلامی ایران»، پژوهش حقوق کیفری، سال سوم، شماره ۸، ص ۳۳-۶۲.

ولف، فرانسیس؛ کارگزاری، جواد (۱۳۸۳)، «حقوق بشر و سازمان بین‌المللی کار»، کار و جامعه، شماره ۵۸، ص ۹-۲۱.

Bakirci, Kadriye (2009), Human trafficking and forced labour, **Journal of Financial Crime**, Vol. 16 No. 2, pp. 160-165.

Cyrus, Norbert (2005), **Trafficking For Labour And Sexual Exploitation In Germany**, Geneva, International Labour Office.

Follmar-Otto, Peter, and Rabe, Heike (2009), **Human Trafficking in Germany**, Berlin, German Institute for Human Rights, Available at: 24/07/2020:

menschenrechte.de/fileadmin/_migrated/tx_commerce/study_human_trafficking_in_germany.pdf

International Labour Organization (January-June 1932), Memorandum on prison labour, **International Labour Review**, Vol. XXV, Available at: 21/07/2020

<https://www.ilo.org/public/english/standards/relm/ilc/ilc96/pdf/rep-iii-1b.pdf>

International Labour Organization (1979), **Abolition of Forced Labour**, General Survey by the Committee of Experts on the Application of Conventions and Recommendations, International Labour Conference, 65th Session, Geneva, International Labour Office, Available at: 21/07/2020 <http://www.ilo.org/public/libdoc/ilo/P/09661/09661%281979-65-4B%29.pdf>

- International Labour Organization (2003), **Fundamental Rights at Work and International Labour Standards**, Geneva, International Labour Office, Available at: 21/07/2020
https://www.ilo.org/wcmsp5/groups/public/---ed_norm/---normes/documents/publication/wcms_087424.pdf
- International Labour Organization(2005) , **A Global Alliance against Forced Labour** , (Global Report under the Follow-up to the ILO Declaration on Fundamental Principles and Rights at Work, Geneva, International Labour Office , Avilabie at: 19/07/2020:
<https://www.ilo.org/public/english/standards/relm/ilc/ilc93/pdf/rep-i-b.pdf>
- International Labour Organization(2005) , **Human Trafficking and Forced Labour Exploitation: Guidance for Legislation and Law Enforcement**, Geneva , International Labour Office , Avilabie at: 24/07/2020
https://www.ilo.org/wcmsp5/groups/public/---ed_norm/---declaration/documents/publication/wcms_081999.pdf
- International Labour Organization (2007),**Eradication of Forced Labour**, Geneva, International Labour Office, Avilabie at: 19/07/2020:
<https://www.ilo.org/public/english/standards/relm/ilc/ilc96/pdf/rep-iii-1b.pdf>
- International Labour Organization(2009), **Forced Labour and Trafficking** , a Casebook of Court Decisions : a Training Manual for Judges, Prosecutors and Legal Practitioner, Special Action Programme to Combat Forced Labour, Geneva, International Labour Office, Avilabie at: 19/07/2020
https://www.ilo.org/global/topics/forced-labour/publications/WCMS_106143/lang--en/index.htm
- International Labour Organization(2010),**ILO Declaration on Fundamental Principles and Rights at Work**, Second Edition with Annex Revised , Geneva, International Labour Office,2010. Avilabie at: 23/07/2020
https://www.ilo.org/wcmsp5/groups/public/---ed_norm/---declaration/documents/publication/wcms_467653.pdf
- International Labour Organization(2014), **ILO Special Action Programme to Combat Forced Labour**, Geneva, International Labour Office, Avilabie at: 27/07/2020: https://www.ilo.org/wcmsp5/groups/public/---ed_norm/---declaration/documents/publication/wcms_244828.pdf
- International Labour Organization; Walk Free Foundation & International Organization for Migration,Global Estimate of Modern Slavery(2017), **Forced Labour and Forced Marriage**, Geneva, International Labour Office,2017, Avilabie at: 19/07/2020:
https://www.ilo.org/wcmsp5/groups/public/@dgreports/@dcomm/documents/publication/wcms_575540.pdf



International Labour Organization(2017), **Global Estimates of Child Labour :Results and Trends,2012-2016**, Geneva, International Labour Office ,
Avilabie at: 19/07/2020

https://www.ilo.org/wcmsp5/groups/public/---dgreports/---dcomm/documents/publication/wcms_575499.pdf

Piotrowicz, Ryszard(2009), "The Legal Nature of Trafficking in Human Beings", **Intercultural Human Rights Law Review**, 4, pp.175-203.-

Swepton, Lee(2014),**Forced and Compulsory Labour In International Human Rights Law** , International Labour Office ,Geneva, Avilable at: 27/07/2020 : https://www.ilo.org/wcmsp5/groups/public/---ed_norm/---declaration/documents/publication/wcms_342966.pdf